



Iran Data Portal

Speaker or Agency: Mohammad Khatami
Title: Interview with ParliamentNews
Language: Persian
Western Date: 7 November 2009
Persian Date: 16 Aban 1388
Source: <http://www.parlemannews.ir/index.aspx?n=5175>

در گفتگویی به مناسبت صدور منشور برادری توسط امام سیدمحمدخاتمی: وقتی در انتخابات اختلاف نظر پیش می‌آید، امام به نفع مردم موضع می‌گرفتند/امروز قانون اساسی را زیر پا گذاشته‌اند/حذف دلبستگیان به انقلاب بزرگترین توطئه علیه جمهوری اسلامی است

پارلمان‌نیوز: رئیس جمهور سابق کشورمان شرط تحقق وحدت و تفاهم ملی را در این دانست که اولاً بزرگان باید بپذیرند که در جامعه مشکل و بحران وجود دارد، ثانیاً این‌که در عین حال که همه سلايق باید آزاد باشند، همه امکانات و مصونیت‌ها در اختیار یک سلیقه خاص که جز به حذف نمی‌اندیشد، قرار نگیرد و همه بتوانند صحبت کنند.

به گزارش پایگاه خبری فراه‌کسیون خط امام(ره) مجلس «پارلمان‌نیوز»، وحدت و «برادری» امروز کلید واژه تمام سخنرانی‌ها و نوشته‌های محافل خبری و سیاسی است؛ هیچ سخنرانی و مقاله‌ای نیست که در فضای سیاسی – اجتماعی امروز به این کلمات اشاره نکند. دهها طرح و ایده برای برقراری وحدت و تقویت آن در میان جناحهای سیاسی و حزبی کشور روی میز شیوخ ریش سفید جامعه قرار گرفته و دهها میانجی از این سو به آن سو می‌روند تا بلکه راهی و راهکاری بیاندیشند تا جامعه باز هم با حفظ سلايق خود در اصول متحد و منسجم باشد.

اما 21 یکسال پیش در چنین روزهایی حضرت امام خمینی (س) یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین معضلات فکری، سیاسی، اجتماعی نسل حاضر را گشود، ایشان در آن مقطع پیامی را صادر کردند که شاید امروز کاملترین ایده برای آنچه معضل «اختلاف» و «تفرقه» نامیده می‌شود باشد.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با پاسخ روشنگرانه به سؤال آقای محمد علی انصاری که در حقیقت سؤال

نهفته در عمق اندیشه بسیاری از افراد جامعه بود، ایده‌ای را به یادگار گذاشت که کلید حل معمای پیچیده امروز است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این پیام که به "منشور برادری" شهرت یافته است، اختلاف سلیقه‌ها، نظرها و برداشت‌ها را طبیعی تلقی فرمودند و هر دو جناح مطرح در کشور را مورد تایید قرار دادند و ویژگی‌هایی برای گروه‌ها و احزاب و جریان‌ها مقبول کشور برشمردند. ایشان به صراحت تاکید کردند که "اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است."

پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، در آستانه سالروز صدور این پیام روشنگرانه به بازخوانی تاریخی و ضرورت بهره‌گیری از آن در شرایط امروز جامعه در گفت‌وگو با شخصیت‌های سیاسی، مذهبی، دانشگاهی و حوزوی و فعالان عرصه سیاست از جمله سیدمحمد خاتمیبرداخته است تا گامی بسوی "وحدت ملی" بردارد.

سید محمد خاتمی رییس جمهور سابق کشورمان هنگامی که از حضرت امام خمینی (س) سخن می‌گوید، آرام و جدی اما پر حرارت است و محکم. امام را مظهر واقعی نظام و سلسله جنبان انقلاب می‌خواند ولی گله و انتقاد می‌کند که حق این سلسله جنبان و بنیانگذار نظام آن گونه که باید و شاید ادا نشده است.

او به مناسبت سالروز صدور پیام روشنگرانه حضرت امام خمینی (س) مشهور به "منشور برادری" در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، گفت: «امام معتقد بودند که سلايق مختلف باید وجود داشته باشد. حتی به صراحت اعلام کردند که کسی که با اصل نظام مخالف است، او در این مملکت آزاد است و باید امنیتش تامین شود، مگر این که دست به سلاح ببرد یا توطئه‌ای کند که بخواهد به زیربنای نظام آسیب بزند که البته هیچ نظامی هم این را نمی‌پذیرد. این استثنایی است که امام مطرح می‌کنند. ایشان حتی برای مخالفان نظام و مخالفان فکری مبنای نظام هم حق حرمت و حق شهروندی و آزادی و امنیت قایل هستند.»

رییس بنیاد باران اظهار داشت: «در مساله "منشور برادری" امام یک دغدغه خاطری داشتند. در جامعه ما سلیقه‌های مختلفی وجود دارد. این سلیقه‌ها گاهی ناشی از اختلاف در اصول و مبانی است. یکی می‌گوید اسلام را قبول ندارم. یکی می‌گوید اسلام را قبول دارم، حکومت اسلامی را قبول ندارم. یکی می‌گوید هر دو را قبول دارم. یا در مورد بعضی از مطالبی که امام مطرح کردند، مثل این که در صورت وجود مصلحت می‌توان احکام اولیه را هم به طور موقت تعطیل کرد؛ ممکن است کسی بگوید این قبیل موارد را قبول ندارم. این‌ها یک سلسله اختلافات اصولی است که در جامعه وجود دارد. دیگر اینکه در اصول اختلاف نیست. مثلاً همه کسانی که می‌گویند که انقلاب و اسلام را قبول داریم ولی یکی می‌گوید ملاک و معیار برای من همین قانون اساسی است که مورد تایید امام و مردم است، دیگری ممکن است بخواهد فراتر از آن کار را انجام دهد. که البته باز معتقدم که کسی که می‌خواهد فراتر از قانون انجام بدهد تا حدی از اصول منحرف شده است. ولی به هر حال همه اسلام و انقلاب را قبول دارند و اختلاف سلیقه در شیوه اداره مملکت است که آن هم گاهی به مسایل روبنایی جامعه

برخورد می‌کند و گاهی ممکن است کمی اصولی‌تر باشد. این اختلاف‌نظرهایی است که باز نمی‌خواهم در اینجا بحث کنم.»

سید محمد خاتمی اما بر نکته‌ای تاکید کرد که " آنرا اساس نظام می‌داند "، او گفت: «ما نباید برای مردم تصمیم بگیریم. نباید انتخاب و رای مردم را محدود کنیم.»

رئیس شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز تصریح کرد: «حاصل انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی است، که از یک سو سازگار با معیارهای دینی و فرهنگی جامعه ماست و از سوی دیگر، پاسخگوی نیازهای انسانی است که در این روزگار زندگی می‌کند و خواست‌ها، گرایش‌ها، دیدگاه‌ها و تمنیات خاص خود را دارد، این جمهوری اسلامی امر بدیعی بود که امام مطرح کردند و مورد قبول مردم هم قرار گرفت. ما به عنوان کسانی که هم انقلاب را قبول داریم، هم جمهوری اسلامی را که حاصل مبارک این انقلاب است، و نیز با توجه به این که امام سلسله جنابان این حرکت و رهبر این انقلاب بودند، مواضع، نظرات و دیدگاه‌های حضرت امام به عنوان یک معیار برای ما بسیار مهم است و اگر این‌ها را درست بشناسیم، شاید بسیاری از سوء تفاهم‌ها حل شود.»

وی ادامه داد: «ما همچنان بر سر حرف‌های اصلی خود هستیم. انقلاب اسلامی منشاء هویت ما است و نقطه عطف بزرگی در تاریخ ایران و ماحصل مردمی‌ترین انقلاب تاریخ هم جمهوری اسلامی است که برای ما مقدس است و همانطور که از نام آن پیداست در جمهوری اسلامی همچنان که از اسلام دفاع می‌کنیم، مدافع مردم رأی و حقوق اساسی آنان نیز هستیم. کسانی که به رأی مردم معتقد نیستند و حاضرند در رأی مردم تصرف کنند یا آن را نادیده انگارند، با انقلاب و جمهوری اسلامی بیگانه‌اند؛ این راه و رسم ما است و صحبت ما همواره این بوده و هست که بیابیم قانون اساسی را به درستی اجرا کنیم.»

خاتمی وقتی به این سخن رسید صدایش را پر حرارت‌تر کرد و بلندتر گفت: «چرا امروز قانون اساسی زیر پا گذاشته می‌شود؟ مگر قانون اساسی حق فعالیت تشکل‌ها، اظهار نظر و حضور آزاد مردم را تصریح نکرده است؟ مگر ما با شیوه‌هایی که پیامبر (ص) و ائمه (ع) داشتند آشنا نیستیم که برای آزادی مردم احترام قائل بودند؟ مگر حضرت امیرالمؤمنین (ع) با بدترین مخالفانش برخورد می‌کرد حتی اگر بدترین ناسزاها را می‌شنید؟ چرا به قانون اساسی عمل نمی‌شود؟ قانون اساسی رأی مردم و انتخابات آزاد و رقابتی را حق مسلم آحاد جامعه دانسته و وظیفه مسلم برای مسؤلان نظام را توجه و احترام و صیانت از این حق دانسته است. حال اگر کسی معترض باشد که این اصل درست پیاده نشده، جواب خود را باید با برخوردهای تند و غیرقانونی بگیرد؟»

رئیس جمهور سابق کشورمان خاطر نشان کرد: «بیایید به قانون اساسی بازگردیم، البته در صورتی که تفسیرهای دل‌خواهی از آن نشود و کسانی از آن نگاهیانی کنند که به مردم و معیارهای قانون اساسی اعتقاد داشته باشند و تحت تأثیر و سیطره جریان‌ات بیرونی قرار نگیرند و رفتارهایی نکنند که مخالف روح و حتی نص صریح قانون اساسی باشد و اگر این بازگشت صورت گرفت بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.»

خاتمی سپس متذکر شد: «اگر این مطالب را در نظر داشته باشیم، دید روشن‌تری به جمهوری اسلامی خواهیم داشت و می‌دانیم که از چه چیزی باید دفاع کنیم. اگر دیدیم که رای مردم مورد کم توجهی قرار گرفت، اگر دیدیم که اختیارات متناسب با مسوولیت‌ها در جامعه نبود، اگر دیدیم که دروغ رایج بود و به خصوص که دروغ به صورت رسمی مطرح شد، اگر دیدیم که حق و حرمت انسان‌ها نگه داشته نشد، اگر دیدیم که تداخل در قوای مختلف وجود داشت و نظایر این‌ها، می‌توانیم بگوییم که انحراف از معیارهای اصلی جمهوری اسلامی صورت گرفته است. البته همه آن چه گفته شد به صورت خلاصه تر و مشخص تر همان است که در قانون اساسی منعکس شده و مبنای کار ماست.»

او از اینکه اساس نظام در اختیار یک سلیقه خاص قرار بگیرد ابراز نگرانی کرد و اظهار داشت: «وقتی اختلافی بین روحانیون در جامعه ایجاد شده بود، که اختلاف در سلیقه بود نه در اصول، امام آنجا تاکید کردند که این دو جریان باید وجود داشته باشد. حتی در زمان ایشان بود که یک جریان روحانی سیاسی در کنار یک جریان سیاسی ریشه دار در جامعه شکل گرفت و امام آن را مورد تایید قرار دادند. این مساله ای است که امروز هم مورد توجه ماست.»

خاتمی در این گفت‌وگو به برخی مسایل رخ داده در ماههای گذشته اشاره کرد و گفت: «در این زمینه برای این که دیدگاهمان نسبت به جمهوری اسلامی مشخص شود و این که اسلامی که در جمهوری اسلامی مطرح شد و جمهوریتی که در جمهوری اسلامی مطرح شد، چه خصوصیتی دارد، در این موقعیت ما چه مشکلاتی داریم و کجای کارمان با آن جمهوریت و کجای کارمان با آن اسلامیت سازگار نیست، خوب است که ملاک و معیار را خود امام قرار بدهیم و برای این کار دو مقطع مهم از حیات امام بسیار اهمیت دارد که ما بتوانیم راه را از چاه تشخیص دهیم.»

وی اظهار داشت: «اگر ما زندگی امام را از آستانه انقلاب تا زمان وفاتشان به سه مرحله تقسیم کنیم، یک مرحله هنگامی است که امام در حال عرضه کردن نظامی هستند که مورد نظر انقلاب است. مردم، آزادی، استقلال و عدالت می‌خواهند. از استبداد و استعمار رنجیده‌اند. از بداخلاقی‌ها و بی‌فضیلتی‌هایی که در جامعه حاکم است، زده شده‌اند و در تاریخشان در طول صد سال، استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت می‌خواستند و نیز خواستار حاکمیت بر سرنوشت خود بودند، در این زمینه انقلابی رخ داده و امام نظامی را عرضه می‌دارند که باید به آن رسید. یعنی درست در آستانه انقلاب و چند ماه پیش از وقوع پیروزی انقلاب، امام، جمهوری اسلامی را عرضه و پیشنهاد می‌کنند. مطالبشان هم بسیار روشن است. جمهوری اسلامی که مطرح شد، بعضی می‌گفتند بدعت در اسلام است که البته چنین نیست، بعضی می‌گفتند که این قید اسلامیت یک چیز انحرافی است و فقط باید جمهوری باشد. امام به عنوان پیشوای این مکتب، جمهوری اسلامی را عرضه می‌دارند. باید روی این مطلب کار شود که امام در ذهنش چه بود و چه چیزی را عرضه داشت. با کمال تأسف دیده می‌شود که بعد از رحلت امام گفته شد که امام چیزی را عرضه کرد که مورد عقیده‌اش نبود و برای اسکات دنیا و این که حرف و حدیثی

نباشد این نظرات را ارایه کردند که به این معنی است که امام برای گول زدن دنیا مطلبی را مطرح کرده ولی نظرش چیز دیگری بوده. این چیزی است که به امام نمی چسبد. امام با مردم بسیار صریح و صادق بودند و بر اساس اعتقاداتشان صحبت می کردند. برای نمونه می توانید مصاحبه‌ها و سخنرانی‌هایی که داشتند، ببینید. وقتی پرسیده می شود که جمهوری چیست؟ پاسخ می دهند همین جمهوری که در دنیا هست.»

وی ادامه داد: «این مساله بسیار مهمی است. آنچه که دنیا به آن رسیده، دستاورد بسیار مهمی است. یعنی حکومت‌ها برآمده از مردم‌اند. تعیین کننده، رای مردم است. قوای مختلف و منفک از هم وجود دارند. مسوولیت‌ها مشخص است و هیچ قدرت و اختیار غیر مسوولی وجود ندارد. محور و مدار خود مردم‌اند. رضایت مردم بسیار مهم است. جمهوری به معنی حکومت مردم بر سونوشت خویش است.»

رییس جمهور سابق کشور اضافه کرد: «امام می گفتند این جمهوری در عین حال می خواهیم اسلامی باشد، یعنی از ارزشهای متعالی دینی پیروی کند و مصداق آنرا نیز حکومت صدر اسلام و بخصوص شیوه و روش حکومتی امیرالمومنین امام علی (ع) معرفی می‌کردند.»

خاتمی تصریح کرد: «از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی در ایران بزرگترین هدف دشمنان نظام جدایی مردم از حکومت و حذف سرمایه‌های اجتماعی کشور بوده است. آیا آنچه امروز شاهد آن هستیم و همه خیرخواهان نسبت به وقوع آن هشدار داده اند جز این است که چهره نظام در جهان غیرمنطقی، خشن، ناسازگار با بخشی از معیارهای مسلم انسانی و اخلاقی، بی اعتنا به رأی مردم و حتی بی اعتنا به قوانین و موازین خود نشان داده می شود؟»

رییس بنیاد باران در ادامه به اقدامات و پیام‌های ارزشمند امام در سالهای آخر عمرشان اشاره کرد و گفت: «درسال های آخر حیات پربرکت حضرت امام ایشان با شتاب بیشتری مواردی را مطرح می کنند و بیشتر هم درمورد وضعیت سیاسی جامعه است و بینش و دیدگاه اسلامی که باید حاکم باشد که دقیقاً یک دیدگاه ضد تحجر، آزاد اندیش و دیدگاهی که معتقد است اسلام را باید به گونه ای فهمید که در دنیای پیچیده کنونی، مشکلات انسان را حل کند. باید به گونه ای مطرح شود که انسان‌ها زده نشوند و مسایل دیگری که هست. امام تعبیری دارند که خون دلی که پدر پیرتان از متحجران خورده است هرگز از فشارها و سختیهای دیگران نخورده است.»

وی تصریح کرد: «بنابراین برای این که ما شناختی داشته باشیم از مساله، دو مقطع حیات امام برای شناخت وضعیت و تکلیف خودمان در اینجا، مهم است. یکی وقتی که امام در حال عرضه نظامی هستند که مد نظر دارند و دیگری زمانی که می خواهند محتوای این نظام را به خصوص از نظر دینی و ارزشی مشخص کنند. این دو مقطع بخصوص در ماه‌های قبل از پیروزی انقلاب و نیز سالهای آخر عمر امام بروز و ظهور دارد. البته یک مقطع چند ساله هم در این میان وجود دارد و آن وقتی است که نظام مستقر می شود و امام به عنوان رهبر مردم و نظام کار می کنند. آن هم مراحل مختلفی دارد. یکی آنچه که به قاعده است یعنی این که حتماً باید فراندوم شود که مردم چه نظامی می‌خواهند. دوم این که قانون اساسی را خبرگانی که منتخب مردمند باید بنویسند. یعنی

باز رای مردم در تدوین اساسنامه نظامشان مشخص باشد. سوم همین پیش نویس تدوین شده توسط خبرگان منتخب مردم، باز هم باید به رای مردم برسد. این امام است که رهبری می کند. این که می گوید میزان رای ملت است، اینجاست. یعنی یقیناً اگر مردم می گفتند جمهوری اسلامی را نمی خواهند، امام با این که آن را حق می دانست، آن را بر مردم تحمیل نمی کرد. در فراندوم هم اگر اشکالی می شد، حتماً می گفتند که نظر مردم را تأمین کنید. و سوم تلاش امام برای این که تمام ارکان نظام طبق این نظامنامه‌ای که به تصویب مردم رسیده و مورد تأیید خود ایشان هم بوده، شکل بگیرد.»

خاتمی بار دیگر به موضوع بازگشت به قانون اساسی اشاره کرد و گفت: «شما هیچ انقلابی را سراغ ندارید که کمتر از یک سال از عمرش گذشته باشد و قانون اساسی آن مشخص شده و تمام ارکان و قوای آن بر اساس قانون مستقر شده باشد. رییس جمهورش تعیین شده باشد. قوه قضاییه‌اش مشخص شده باشد و البته مجلسش در اسفند 58 مستقر شد. یعنی یک ماهی بعد از اولین سالگرد پیروزی انقلاب. یعنی در واقع وقتی یک سال از انقلاب گذشته بود که همه ارکان نظام شکل گرفته بود و حتی امام اختیارات ولی فقیه را که اختیارات وسیعی می‌دانست درون قانون اساسی قرار داد و به رای مردم رساند تا در چارچوب قانون قرار گیرد. یا رفتارهایی که امام داشتند، از جمله همین "منشور برادری" یا "فرمان هشت ماده‌ای" و مسایل دیگری که بود. یا دغدغه خاطر او برای انتخابات که در بحران جنگ و بمباران و ... انتخابات را تعطیل نکردند و این که در انتخابات نظر مردم تأمین شود. وقتی در انتخابات اختلاف نظر پیش آمد، امام به نفع مردم موضع می‌گرفتند بدون این که دخالت کنند. یعنی داور بی طرفی می‌گذاشتند که جریان را بررسی کنند و ماجرا آن گونه که واقع شده، تحقق پیدا کند و طرفین دعوا به نحوی قانع شوند و به نفع مردم اختلاف خاتمه پیدا کند. یک زمانی صحبتی پیش آمده بود که مردم عوام هستند و علما باید برای مردم تصمیم بگیرند. امام در پاسخ این مطلب فرمودند که در گذشته می گفتند که علما در سیاست دخالت نکنند، امروز می گویند کسی جز علما در سیاست دخالت نکند که این بدتر از اولی است. چون در قسمت اول فقط یک قشر و صنف از جامعه را محروم می کردند ولی در قسمت دوم می خواهند همه جامعه را به نفع یک قشر محروم کنند. این تعبیر امام بود.»

وی افزود: «البته در این دوره چندین ساله، استثناهایی هم وجود دارد. امام، رهبر و مسوول یک نظام بود. شرایط عجیبی مثل جنگ و ترور وجود داشت و مسایلی پیش آمد که استثنا بود. یعنی در شرایط استثنایی ممکن است اقدامی صورت گرفته باشد که با قانون اساسی یا مسایل دیگر سازگار نباشد و البته در سال 67 وقتی نمایندگان مجلس نامه‌ای به امام نوشتند و برخی موارد خلاف قانون اساسی را که در جامعه ما وجود داشت، تذکر دادند. امام صراحتاً در تاریخ 7/9/1367 گفتند: "... ان شاء الله تصمیم داریم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سالها انجام گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام باز گردد.»

خاتمی اضافه کرد: «حضرت امام تأکید کردند که حرکت کنیم؛ نه این که حرکت کنند بلکه برگردیم. یعنی خود

امام هم جزو مجموعه‌ای بود که باید به قانون برگردند. اگر این سه مرحله را در نظر بگیریم، مرحله اول که عرضه نظام است. مرحله دوم بیشتر مساله محتوا به خصوص محتوای دینی و وضعیت سیاسی در دو سه سال آخر عمرشان بیان می‌شود. و مرحله سوم در طول این مدت است که رهبری می‌کردند، قواعدی وجود دارد که تایید کننده همان دو مرحله اول است. استثناهایی هم وجود دارد که امام فرمودند: مربوط به مواقع بحرانی و غیرعادی است. یکی از مشکلاتی که بعد از امام بود، این بود که برخی از این استثناءها قاعده شدند و قاعده که عبارت است از قانون اساسی به محاق تعطیل و کم اعتنایی کشیده شد و این یکی از مسائلی بود که هنوز هم تا حدودی وجود دارد و باید مورد توجه قرار گیرد.»

سید محمد خاتمی در پاسخ به این سؤال که چرا هنوز به یک وفاق در مفاهیم اساسی مانند منافع ملی و... در جامعه نرسیده‌ایم گفت: «قبول دارم که هنوز یک دید استراتژیک در مورد منافع ملی و مصالح ملی و امنیت ملی در جامعه ما بطور کامل و جامع ایجاد نشده است و این وظیفه‌ای بوده که باید خود حکومت و ارکان مختلف آن در این زمینه به تفاهم برسند. بنابراین بیشتر سلاطین است که این تعریف‌ها را تعیین می‌کنند. افرادی که این سلاطین را دارند ممکن است از لحاظ مقام و امکانات متفاوت باشند. این یک مشکلی است که اتفاقاً اگر بیاییم این دعوای سیاسی موردی را کنار بگذاریم و عقلای قوم بنشینند و به تفاهمی در زمینه مصالح ملی، امنیت ملی و اموری نظیر این‌ها برسند، ممکن است خیلی زود هم به نتایجی برسند و مسایل فرعی آنها را منحرف نکند. این حتی می‌تواند راهی باشد برای برون رفت از بحران کنونی.»

وی همچنین گفت: «در زمینه تحقق و رسیدن به این ساز و کار گام‌های خوبی در این زمینه برداشته شده. یکی تدوین سیاست‌های کلی است که خود می‌تواند مبنای قرار بگیرد. یا مهم‌تر و عینی‌تر از آن چشم‌انداز بیست ساله است که می‌دانید که هر دوی این امور در دوره دولت من جدی شد. البته فقط دولت مسوول نبود. مخصوصاً در مورد چشم‌انداز بیست ساله ما کارهای کارشناسی بسیار عظیمی انجام دادیم و رفت خدمت رهبری و مجمع تشخیص مصلحت و مجمع هم بحث‌های مفصلی کرد و با نظراتی که رهبری داشت این مساله ابلاغ شد و بنده به صراحت می‌گویم که بالای هفتاد درصد مسائلی که مطرح شده کارهای کارشناسی است که ما صورت دادیم و در مجمع تشخیص مصلحت و نیز نزد رهبری هم مورد قبول قرار گرفت. این یک اصلی است که می‌تواند مبنای سیاست‌های کلی.»

رئیس دولت اصلاحات ادامه داد: «صحبت من این است که اتفاقاً اگر ما به یک تفاهمی برسیم به همین می‌رسیم که معیارها و ملاک‌هایی وجود دارد که می‌تواند مبنای وحدت باشد ولی متأسفانه امروز این‌ها مورد توجه نیست. من به بزرگان هم گفتم. ما امروز نه تنها به سمت چشم‌انداز بیست ساله حرکت نمی‌کنیم بلکه کاملاً از اهداف چشم‌انداز بیست ساله دور شدیم. این انحراف است. یا سیاست‌های کلی که در عرصه اقتصاد و دیگر عرصه‌ها وجود دارد، البته نه به این معنا که کاری نشده، تلاش شده ولی مهم این است که در عمل پایبندی وجود ندارد. کسانی هستند که سلاطین خاص خود را دارند و به جای این معیارها که ممکن است اشتباه هم داشته باشد -

وحی منزل که نیست - ولی این افراد سلايق خود را عين حقيقت، عين مصلحت و عين امنيت می بينند و به خودشان اجازه می دهند که با کسانی که با این سلايق سازگار نیستند، هر گونه رفتاری شود. ما اگر بخواهيم وحدت کنيم، معيار می تواند قانون اساسی باشد. در چشم انداز بيست ساله، سياست های کلی که مورد تاييد رهبری است و بسياری مسایلی که در متن نظرات امام در موقع عرضه نظام و موقع بيان محتوای نظام داشته، می توان به وحدت نسبی رسيد البته اگر غرض و مرض نباشد. به قول امام اگر در همین منشور برادری اگر هوا و هوس باشد، ديگر نمی توان آن را کاری کرد. يا اگر غرور و توهم وجود داشته باشد، کار مشکل می شود.»

خاتمی افزود: «بايد ببينيم که چه کسانی قانون را به نفع سلايق و علايق خود کنار می گذارند و آنها هستند که نبايد محور همه کارهای جامعه باشند. نه به اين معنی که از صحنه اجتماع بيرون بروند. کسانی هستند که قانون را قبول ندارند و سلايق خود را بر قوانين ترجيح می دهند. به خاطر به دست گرفتن امکانات، اين سلايق را اعمال می کنند ولو به قيمت از دست رفتن سرمايه ها باشد. اين افراد نبايد محور کار باشند. حضورشان در جامعه، خوب است و من هم معتقدم که بايد در یک فضای آزاد با رعايت موازين قانونی، آزادی اندیشه، آزادی بيان، آزادی تشکل ها، همه بايد در جامعه وجود داشته باشد و در یک کلام بگويم که ما در جامعه مان یک نظام داريم و یک قانون اساسی. هر کسی که پاييند عملی به قانون اساسی است و اعلام می کند که می خواهد در چارچوب قانون عمل کند هر چند که نظرات متفاوتی داشته باشد، او از همه حقوقی که برای یک شهروند در نظر گرفته شده، از جمله شرکت در انتخابات، رای دادن، رای گرفتن و ... بايد برخوردار باشد. و اگر نيست یک انحراف از جريان است. چه برسد به اين که کسانی می گویند نه تنها ملتزم به قانون اساسی هستيم، معتقد به قانون اساسی و معتقد به اصل نظام جمهوری اسلامی هستيم. اين ها ممکن است حذف شوند از جامعه. من معتقدم کسی که معتقد هم نيست ولی در عمل ملتزم است، بايد زمينه را فراهم کنيم که در جامعه فعال شود، حضور داشته باشد و از جامعه حذف نشود. اگر درست به قانون برگرديم و به خصوص کسانی که پاسدار و نگهبان قانونند، با سلیقه های خاص خود، قانون را تفسير و تبیین نکنند، قانون اساسی را به نفع یک سلیقه و یک جريان دیگری کنار نگذارند يا تفسير نکنند، بلکه کاملاً بیطرفانه و با سعه صدر با مسایل برخورد کنند، قانون اساسی خود مهم ترين مبنایی است که می تواند در جامعه ما وحدت را در عين کثرت ايجاد کند.»

ادامه گفت و گو به موضوع وحدت ملی و تفاهم ملی کشيد ، خاتمی ابتدا اين پرسش را مطرح کرد که بايد ببينيم در مورد وحدتی که امروز گفته می شود، مراد از اين وحدت چیست و چقدر عملی است و چقدر عملی نيست؟ او گفت: «اگر ملاک و معيار قانون باشد، وقتی که یک حادثه ای در جامعه ای رخ می دهد و یک طرف که اعتراض دارد کاملاً محدود می شود، و جريان هایی می آيند و شروع می کنند مخالفتشان را به همه اتهامات متهم می کنند و اين اتهامات واهی مبنای برخورد با افراد می شود، اصلاً جایی برای بحث و گفت و گو و وحدت باقی نمی ماند. آنها می گویند وحدت يعنی اين که هر کس که مطابق سلیقه ما نيست و هر کسی که به رفتار و روش ما اعتراض دارد بايد به هر قيمتی که شده حذف شود و امکانات هم در اختيارشان قرار می گيرد و اعمال می

شود. از طرف دیگر جریان دیگری که احساس می‌کند دلش برای اسلام می‌سوزد، برای انقلاب می‌سوزد، و اصلاً نسبت به سرنوشت انقلاب و جامعه مسوول بوده و به همین دلیل در عرصه حضور به هم رسانده، متهم شده است به همه اتهاماتی که هیچ کدام را قبول ندارد، خب با چه کسی به وحدت برسد؟ اول باید اصولی را برای وحدت در نظر بگیریم. امروز در جامعه حوادثی رخ داده که بسیاری از آنها مطلوب نبوده و امروز کسانی که به هر حال هم تبلیغات و هم امکانات مختلف جامعه را در اختیار دارند می‌خواهند به جامعه القا کنند و تحمیل کنند که حوادثی که رخ داده عین حقیقت بوده و هر کس با این موضوع مخالفت کند مخالف اصل انقلاب است و با آن برخورد می‌کنند.»

سید محمد خاتمی افزود: «اگر یک جریان و یک سلیقه همه فضا را به دست گیرد، طبعاً وحدتی که می‌گوید همه کسانی که اعتقاداتی دارند، آن را کنار بگذارند، منطقی نیست. البته من قبول دارم که همیشه سواستفاده دشمن هست. همان جور که بعضی می‌گویند از کسانی که اعتراض دارند سواستفاده شده، بنده هم می‌توانم بگویم از کسانی که آن رفتارها را انجام دادند و می‌دهند و منجر به اعتراض مردم شد، سواستفاده شده است. دشمن از آن سواستفاده می‌کند. دشمن بدش نمی‌آید که به دنیا بگوید در جمهوری اسلامی آزادی نیست. در جمهوری اسلامی حقوق بشر زیر پا گذاشته می‌شود. در جمهوری اسلامی حتی اگر کسی معترض باشد که در فلان مقطعی مثل انتخابات مشکلاتی و انحرافات وجود داشته، با روش‌های سخت و خشن با او برخورد می‌شود. دشمن اتفاقاً خیلی خوب از این موضوع سواستفاده می‌کند برای مشوش کردن چهره انقلاب مردمی ما. بنابراین اگر بر اساس نسبت دادن‌ها باشد، می‌توانیم بگوییم که مدعیان و مخالفان معترضان مدنی در مسیر هدف دشمن کار می‌کنند و طبعاً دیگری هم می‌گوید که طرف مقابل در مسیر هدف دشمن کار می‌کند. این که رفتار و روش درستی نیست. با بلند کردن صدای نادرست، آن نادرست، درست نمی‌شود. شما اگر تمام امکانات رسانه‌ای و تبلیغی را در دست داشته باشید و یک حرف نادرستی را مدام فریاد بزنید، این فریاد زدن‌ها و جلوگیری از این که صدای دیگری شنیده شود، این حرف نادرست را درست نمی‌کند. شما بیابید وسایل ارتباط جمعی، را در اختیار مردم قرار دهید که همه بتوانند از آن استفاده کنند و صحبت کنند.»

رییس جمهور سابق کشورمان گفت: «ما نباید دایره را تنگ کنیم و یک جریان و یک گروه بگوییم که من عین نظام یا عین انقلابم و هر کس با من مخالف است، ضد انقلاب و ضد اسلام است و باید حذف شود یا ترور شخصیت شود و یا از صحنه خارج شود و یا جلوی حضور او در عرصه حاکمیت گرفته شود. این‌ها همه مخالف معیارهای حضرت امام است. اولاً این که یک سلیقه خود را مبنای حق بداند، خلاف اسلام و خلاف عقل و خلاف روش و رفتار و سیره امام است. دوم این که بر فرض که یک سلیقه‌ای باشد که ما معتقد باشیم که خارج از معیار و اصول است، ما حق نداریم که به هر قیمتی او را حذف کنیم و تا وقتی که کارش به براندازی منجر نشده است، کاملاً احترام دارد و باید حضور داشته باشد و بعداً هم اگر بخواهد برخورد شود، باید کاملاً در چارچوب قوانین و ضوابط باشد نه طبق سلیقه. اگر چنین امری وجود داشت در عین تأیید تنوع و تکثر در

جامعه، ما می‌توانستیم شاهد یک نوع وفاق پیرامون انقلاب، نظام و در جهت مصلحت کشور و مردم، با هم باشیم و به هر حال داوری را به عهده خود مردم بگذاریم که در شرایط خاص و آزاد و رقابتی بتوانند تصمیم بگیرند و به تصمیم مردم هم احترام بگذاریم.»

وی خاطر نشان کرد: «بنده معتقدم مشکل کار اینست که بعضی سلاویق - با حسن نیت یا غیر حسن نیت - خود را عین انقلاب و اسلام می‌دانند و مخالفین خود را ضد اسلام و ضد انقلاب می‌دانند و خود را مجاز می‌دانند که هر گونه رفتاری با مخالفین خود داشته باشند. مهم این است که اگر این‌ها در جمهوری اسلامی ایران محور کار بشوند، مشکلاتی را ایجاد می‌کند که هم اکنون ایجاد شده است. حتی در زمینه های فکری و اعتقادی، میدان برای کسانی گشوده شده است که با اصول و پایه های اندیشه امام و انقلاب اسلامی سازگار نیستند و برای بسیار از کسانی که خود را از هر جهت وابسته به امام و انقلاب می‌دانند، محدودیت ها و محرومیت هایی ایجاد شده است. اینها مشکلاتی است که باید رفع شود و معتقدم که اولاً بزرگان باید بپذیرند که در جامعه مشکل و بحران وجود دارد، ثانیاً این که در عین حال که همه سلاویق باید آزاد باشند، همه امکانات و مصونیت ها در اختیار یک سلیقه خاص که جز به حذف نمی‌اندیشد، قرار نگیرد و همه بتوانند صحبت کنند. آن وقت است که زمینه برای وحدت واقعی پیرامون اصول با وجود اختلاف نظرها و سلیقه هایی که مردم باید به آن رای بدهند، فراهم می‌آید و آن وقت ما می‌توانیم برگردیم به چارچوب های اصلی که مردم و امام و نظام جمهوری اسلامی می‌خواستند.»

گفت‌وگوی سید محمد خاتمی با تاکید او اینگونه پایان یافت: «به صراحت تأکید می‌کنم حذف دلبستگان به انقلاب با این عناوین و روشهای بی اساس که از سوی جریانی خاص دنبال می‌شود بزرگترین توطئه علیه جمهوری اسلامی است و نتیجه آن سوق دادن نیروهای اجتماعی به سوی جریاناتی است که با اصل انقلاب و نظام در تعارض اند.»

متن کامل منشور برادری

نامه [به آقای محمدعلی انصاری (منشور برادری)].

زمان: 10 آبان 20/1367 ربیع الاول 1409.

مکان: تهران، جماران.

موضوع: منشور برادری - مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی.

مخاطب: انصاری، محمدعلی (از اعضای دفتر امام خمینی).

بسم الله الرحمن الرحيم.

جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ محمدعلی انصاری - دامت افاضاته.

نامه شما را مطالعه کردم. مسئله‌ای را طرح کرده‌اید که پاسخ به آن کمی طولانی می‌گردد ولی از آنجا که من به شما علاقه مند، شما را مردی متدین و دانا - البته کمی احساساتی - می‌دانم و از محبت‌های بی‌دریغت نسبت به من همیشه ممنونم. به عنوان نصیحت به شما و امثال شما که تعدادشان هم کم نیست مسائلی را تذکر می‌دهم: کتابهای

فقه‌های بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشتها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباریها و اصولیها بگذریم. از آنجا که در گذشته این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتابهای علمی آن هم عربی ضبط می‌گردید، قهراً توده‌های مردم از آن بیخبر بودند و اگر با خبر هم می‌شدند، تعقیب این مسائل برایشان جاذبه‌ای نداشت. حال آیا می‌توان تصور نمود که چون فقها با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند- نعوذ بالله-خلاف حق و خلاف دین خدا عمل کرده‌اند؟ هرگز. اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرفهای فقها و صاحب‌نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی به این بحثها و مسائل است؛ مثلاً در مسئله مالکیت و محدوده آن، در مسئله زمین و تقسیم بندی آن، در انفال و ثروتهای عمومی، در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری، در مالیات، در تجارت داخلی و خارجی در مزارعه و مضاربه و اجاره و رهن، در حدود و دیات، در قوانین مدنی، در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم؛ چون عکاسی، نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره. در حفظ محیط زیست و سالم سازی طبیعت و جلوگیری از قطع درختها حتی در منازل و املاک اشخاص، در مسائل اطعمه و اشریه، در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید، در حل معضلات طبی همچون پیوند اعضای بدن انسان و غیر به انسانهای دیگر، در مسئله معادن زیرزمینی و روزمینی و ملی، تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع و تضییق بعضی از احکام در ازمه و امکانه مختلف، در مسائل حقوقی و حقوق بین المللی و تطبیق آن با احکام اسلام، نقش سازنده زن در جامعه اسلامی و نقش تخریبی آن در جوامع فاسد و غیر اسلامی، حدود آزادی فردی و اجتماعی، برخورد با کفر و شرک و التقاط و بلوک تابع کفر و شرک، چگونگی انجام فرایض در سبیر هوایی و فضایی و حرکت بر خلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن با سرعتی بیش از سرعت آن و یا در صعود مستقیم و خنثی کردن جاذبه زمین و مهمتر از همه اینها، ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه‌ای از هزاران مسئله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است و اگر بعضی از مسائل در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است، فقها امروز باید برای آن فکری بنمایند ..

لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی- فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه

را به دست گیرد ..

اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و موضعگیریها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو می‌خواهند سیطره و شرّ زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان، زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاههای دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به اینهمه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضعگیریها باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه داری غرب و در رأس آن امریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیزم بین الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند. هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب امریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند. هر دو جریان باید مردم را هوشیار کنند که درست است که امریکای حيله‌گر دشمن شماره یک آنها است ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشک شوروی شهید گشته‌اند. هر دو جریان از حيله‌گریهای این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که امریکا و شوروی به خون اسلام و استقلالشان تشنه‌اند ..

خداوند! تو شاهد باش من آنچه بنا بود به هر دو جریان بگویم گفتم، حال خود دانند. البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد- که همه باید از شرّ آن به خدا پناه ببریم- که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی‌شناسد.

رئیس جمهور و رئیس مجلس و نخست وزیر، وکیل، وزیر و قاضی و شورایعالی قضایی و شورای نگهبان، سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات، نظامی و غیر نظامی، روحانی و غیر روحانی، دانشجوی، غیر دانشجوی، زن و مرد نمی‌شناسد و تنها یک راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است، بگذریم ..

اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات و حیرتها برطرف می‌گردد ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومی اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر بحق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و میرای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آنقدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید ..

البته می‌دانید که دولت و مجلس و گردانندگان بالای نظام هرگز اصول و داریستها را نشکسته‌اند و از آن عدول نکرده‌اند. برای من روشن است که در نهاد هر دو جریان اعتقاد و عشق به خدا و خدمت به خلق نهفته است. با تبادل افکار و اندیشه‌های سازنده مسیر رقابتها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط باید پاک نمود. من باز سفارش می‌کنم کشور ما در مرحله بازسازی و سازندگی به تفکر و به وحدت و برادری نیاز دارد. خداوند به همه کسانی که دلشان برای احیای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و نابودی اسلام امریکایی می‌تپد، توفیق عنایت فرماید و شما و همه را در کنف عنایت و حمایت خویش محافظت فرماید و ان شاء الله از انصار اسلام و محرومین باشید ..

67/8/10

روح الله الموسوی الخمینی

منبع : (صحیفه امام، ج 21، ص: 180-177)